



# امتحانات متمرکز تکمیلی (سطح ۳)

نیم سال دوم ۹۷-۹۶

رشته های تفسیر، تاریخ، کلام، اخلاق، امامت و مهدویت و ادبیات عرب و روضی مور ۹۵

مهر مدرسه

زمان: ۹۰ دقیقه	تاریخ: ۱۴	روز: ۹ صبح
زمان: ۸۰ دقیقه	تاریخ: ۱۶	روز: ۹ صبح

نام و نام خانوادگی	شماره	تاریخ

کتاب: ۳۹۶۲/۱۱
موضوع: ۱۳۹۷/۰۴/۰۲
موضوع: اصول فقه ۴
کتاب: اصول فقه مرحوم مظفر
موضوع: جلد سوم و چهارم: از ابتدای «الباب الخامس: حجة الظواهر» تا پایان بحث تعادل و ترجیح (ص ۱۴۳-۲۶۳) به استثنای مباحث الشهرة (ص ۱۷۳-۱۶۷)، السيرة (ص ۱۸۲-۱۷۵) و القياس (ص ۲۰۸-۱۸۳)

نام و نام خانوادگی: ..... نام پدر: ..... مدرسه: ..... شهرستان: ..... استان: .....

۱- به نظر مصنف بازگشت تمام اصول وجودیه به کدام اصل است؟ ص ۱۵۷

الف. اصالة عدم القرينة ☐

ب. اصالة الحقيقة ☐

ج. اصالة الظهور ☒

د. اصالة العموم ☐

۲- حکم «إذا تعادل المتزاحمان في جميع جهات الترجيح» و حاکم به آن حکم به ترتیب کدام گزینه می باشد؟ ص ۲۱۶

الف. التساقط - العقل العملي ☐

ب. التساقط - العقل النظري ☐

ج. التخيير - العقل النظري ☐

د. التخيير - العقل العملي ☒

۳- کدام گزینه در مورد «شهرت فتوایه قدیمه» به نظر مصنف صحیح است؟ ص ۲۵۳

الف. يعلم فيه ان مستندها خبر خاص موجود بین ایدینا ☐

ب. الظن الناشئ منها غير معتبر الا اذا كان ظلنا قويا ☐

ج. انها موجبة لجبر الخبر الضعيف من جهة السند ☒

د. ادلة حجة خبر الواحد تدل على حجة مثلها ☐

۴- ترجیح به صفات راوی، داخل در کدام یک از مرجحات است؟ ص ۲۵۶

الف. مرجح جهت صدور ☐

ب. مرجح صدور ☒

ج. مرجح مضمونی ☐

د. مرجح جهتی ☐

۵- از نظر مصنف، اقرب وجوه در اثبات حجیت قول لغوی چیست؟ توضیح دهید. ص ۱۵۰-۲ نمره

جواب: به نظر ایشان دلیل بر آن، حکم عقل است. زیرا در امور تخصصی، عقل به رجوع جاهل به عالم مورد وثوق حکم می کند، پس ناگزیر باید شارع نیز به آن حکم کند، زیرا این حکم عقلی از آراء محمودهای است که آراء عقلا بر آن توافق دارد، و شارع نیز از ایشان بلکه رئیس ایشان است.

۶- با توجه به عبارت «نسب الى جماعة من الاخباريين القول بعدم حجة ظواهر الكتاب لقول النبي (صلى الله عليه و آله): من فسر القرآن برأيه فليتبوأ مقعده من النار» جواب مصنف از دلیل مذکور را بیان کنید. (دو مورد) ص ۱۶۵-۲ نمره

جواب: الف. تفسیر قرآن غیر از اخذ به ظاهر آن است، و اخذ به ظاهر را تفسیر نمی گویند. ب. مقتضای جمع میان مثل این روایت و اخباری که اخذ به کتاب و مراجعه به آن را روا می شمارد، آن است که بگوئیم مقصود از تفسیر به رأی- بر فرض که شمول آن نسبت به اخذ به ظاهر را بپذیریم- شتاب کردن در اخذ به ظاهر براساس اجتهدای شخصی و بدون جستجو و بدون پیشینه معرفت و تدبیر و تحقیق است، چنان که تعلیلی که در بعضی از این روایات آمده که در آن ناسخ و منسوخ و عام و خاص است، همین معنا را افاده می کند.

۷- چهار شرط از شروط تحقق تعارض را بنویسید. ص ۲۱۲ تا ۲۱۴-۲ نمره

جواب: ۱. یکی یا هر دو دلیل قطعی نباشد. ۲. ظن فعلی، معتبر در حجیت هر دو نباشد. ۳. مدلول آن دو با هم تنافی داشته باشند خواه تنافی در مدلول مطابقی باشد خواه در تضمنی و خواه در التزامی. ۴. هر دو دلیل واجد شرایط حجیت باشند. ۵. دو دلیل متزاحم نباشند. ۶. یکی از دو دلیل حاکم بر دیگری نباشد. ۷. یکی از دو دلیل وارد بر دیگری نباشد.

۸- اگر مولی بعد از امر به اکرام همه ی علماء بگوید: «لا تکرّم الفساق» یا بگوید: «العالم الفاسق ليس بعالم» مخصص یا حاکم بودن هر کدام از نهی و نفی، با ذکر دلیل تبیین کنید. ص ۲۲۴-۲ نمره

جواب: اگر بگوید لا تکرّم الفساق، مخصص است، چون مفادش عدم وجوب اکرام فاسق است همراه با ابقاء صفت علم برای او، اما اگر بگوید العالم الفاسق ليس بعالم، این حاکم است، زیرا مفادش اخراج تنزیلی فاسق از صفت عالم است، به این که فسق را به منزله جهل تنزیل می کند و یا علم فاسق را به منزله عدم علم او.

۹- اگر بعد از حکم به تساقط به مقتضای قاعده اولیه در متعارضین، دلیل خاصی بر حجیت یکی از دو خبر، به جعل جدید اقامه شد، به

۲

نظر مصنف معنای این تخییر چیست؟ ص ۲۳۸ - ۲ نمره

جواب: به نظر ایشان تخییر بین متعارضین از جهت حجیت و از جهت واقع، بی‌معناست. پس معنای تخییر اینست که هریک از دو دلیل متعارض، در صورتی که با واقع مطابق باشد، منجز واقع است و در صورتی که خطا باشد، معذر برای مکلف است و او مختار است هر کدام را که خواست انتخاب کند.

۱۰- سه نظریه در باب تعدی از مرجحات منصوصه را نام ببرید؛ و بیان کنید که نظریه مشهور کدام است؟ ص ۲۶۰ و ۲۶۱ - ۲ نمره

۲

جواب:

۱. وجوب تعدی به هر چیزی که موجب اقربیت به واقع می‌شود نوعاً (۰/۵ نمره) و قول مشهور همین است (۰/۵ نمره) ۲. وجوب اقتصار بر مرجحات منصوصه (۰/۵ نمره) ۳. تفصیل بین صفات راوی که تعدی از آنها جایز است، و بین غیر صفات راوی که تعدی جایز نیست. (۰/۵ نمره)

\* سؤال زیر مختصّ طلاب غیر حضوری مکاتبه‌ای می‌باشد:

۱۱- با توجه به عبارت «قد یظنّ الظانّ أنّ إمكان الجمع تبرّعی یحقّق قاعدة «أولوية الجمع من الطرح» إذ لا یحرز المانع - و هو تکاذب المتعارضین - حينئذٍ، فیکون الجمع أولى.» جمع تبرّعی را تعریف کرده، توضیح دهید چگونه امکان جمع تبرّعی، محقّق قاعده‌ی فوق است؟ ص ۲۳۰ - ۲ نمره

۲

جواب: جمع تبرّعی یعنی تأویل کیفی که عرف آن را نمی‌پذیرد و دلیل و شاهی هم بر صحت آن وجود ندارد؛ زیرا وقتی به هر نحو بتوان بین دو دلیل جمع کرد، تکاذبی باقی نمی‌ماند تا نوبت به تعارض و طرح احد الدلیلین برسد پس جمع اولی از طرح می‌شود و لو به نحو جمع تبرّعی.